

# جلوه‌های مسئولیت‌پذیری و استقلال در قصه‌ی کُردی «هپلی‌هپاو» از منظر نظریه‌ی وابستگی و تحول روانی دونالد وینیکات

محمد مرادی نصاری<sup>۱</sup>

## چکیده

قصه‌های کودکانه‌ی عامه یکی از منابع ارزشمند برای تحلیل‌های بینارشته‌ای -به‌ویژه قرائت‌های روانکاوانه- به شمار می‌آیند. این قصه‌ها در زبان کُردی از بسامد بالایی برخوردارند و همین امر مجال مناسبی را جهت خوانش‌های روان‌شناختی فراهم می‌کند. هپلی‌هپاو یکی از داستان‌های شفاهی کُردی است که در آن رابطه‌ی مادر و کودک مورد توجه قرار گرفته، بسیاری از نکات مطرح در آن را می‌توان با دیدگاه‌های تازه‌ی روانکاوی کودک همسو دانست. در این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر آراء دونالد وینیکات در خصوص تحول روانی کودک، جلوه‌های مسئولیت‌پذیری و استقلال در قصه‌ی هپلی‌هپاو بررسی می‌شود. این بررسی دربرگیرنده‌ی دیدگاه وینیکات در مورد وابستگی و تحلیل داستان مذکور در بستر نظرات مطرح شده است. به باور نویسنده، این قصه بیانی نمادین از سه مرحله‌ی وابستگی، یعنی وابستگی مطلق (حضور در خانه)، وابستگی نسبی (رفتن به بازار) و حرکت به سوی استقلال (ازدواج و سفر) بوده، بر شیوه‌ی تعامل مناسب میان والد و کودک در جهت رسیدن به مرحله‌ی سوم تاکید می‌کند. بازنمایی مسئولیت‌پذیری و چگونگی رسیدن به استقلال پرسش اساسی این تحقیق را تشکیل می‌دهد. در پاسخ، قصه‌ی مورد بحث، مسئولیت‌پذیر و مستقل شدن را در گرو وجود یک رابطه‌ی «به اندازه‌ی کافی خوب» (نه بیش از حد خوب یا بد) میان والد(مادر) و کودک می‌داند. همچنین وجود یک محیط تسهیل‌کننده که در آن کودک می‌تواند به تجربه‌ورزی و کشف جهان پردازد.

**واژه‌های کلیدی:** قصه‌های کودکانه‌ی عامه، هپلی‌هپاو، دونالد وینیکات، وابستگی، استقلال، مسئولیت‌پذیری.

---

۱. دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، ایلام، ایران

[mohammadmoradinesari@gmail.com](mailto:mohammadmoradinesari@gmail.com)

<http://www.orcid.org/0000-0002-4859-515x>

## ۱. مقدمه

توجه به نیازهای کودک و پاسخ درخور به آن از اهمیت فراوانی برخوردار است. بسیاری با زیاده‌روی در دهنده‌گی هم‌چون «والد بیش از اندازه خوب» [۱] و برخی نیز بی‌توجه به احوالات روانی کودک به‌سان «والد مرده» [۲] مسیر مسئولیت‌پذیر و مستقل شدن را برای کودکان دشوار کرده‌اند. دونالد وینیکات یکی از روانکاوان کاردان و برجسته‌ی معاصر است که با آثار خود بر گستره‌ی دید ما در خصوص سال‌های آغازین رشد افزوده است. او در مشاهدات بالینی خود به این نتیجه رسید که وجود یک والد «به اندازه‌ی کافی خوب» (نه بیش از حد خوب یا بد) تضمین‌کننده‌ی شکوفایی و رشد بهنجار کودک است. والدی که نقشی حیاتی - به ویژه - در ماه‌ها و سال‌های ابتدایی زندگی کودک دارد: «اگر قرار است در نهایت کودکان انسان به افراد بزرگسال سالم، مستقل و اجتماعی تبدیل شوند، بستگی کاملی به این دارد که به آنها شروع خوبی داده شود» (وینیکات، ۱۳۹۹ الف: ۱۴). به باور وینیکات زمینه‌ی مسئولیت‌پذیر و مستقل شدن، داشتن تجربه‌های خوشایند از نگهداری و عشق مادرانه در مراحل ابتدایی رشد است.

کسب تجربه‌های خوشایند در «محیطی تسهیل‌کننده» ممکن می‌شود. فضایی که به سبب حضور والد «به اندازه‌ی کافی خوب» بستری برای رشد یک خود حقیقی و سرزنده است؛ جایی که کودک به کمک مراقب خود، به تجربه‌ورزی و کشف جهان می‌پردازد. به تعبیر سیمون گرونلیک: «بدون محیط به اندازه‌ی کافی خوب، «خویشتن حقیقی» هرگز ایجاد نمی‌شود و احساس واقعی بودن وجود نخواهد داشت. بیهودگی به شکل «خویشتن کاذبی» که «خویشتن واقعی» را می‌پوشاند ظهور می‌کند» (روبینز، ۱۳۹۹: ۲۰۳). برای تشکیل این خویشتن خلاق و سرزنده آنچه مهم است، هماهنگی آغازین و کامل محیط با نیازهای نوازده است. محیط، آرام‌آرام از میزان ارضای بی‌قید و شرط می‌کاهد و مسئولیت‌پذیر و مستقل شدن نیز گام‌به‌گام رخ می‌دهد. بدین سبب سپردن مسئولیت‌های

گوناگون به کودکان یا نوجوانان و پافشاری بر استقلال زودهنگام، آسیب‌های بسیاری بر آنان تحمیل می‌کند.[۳]

به باور وینیکات وابستگی و تحول روانی انسان سه مرحله دارد: وابستگی مطلق، وابستگی نسبی و حرکت به سوی استقلال (وینیکات، ۱۳۹۷: ۱). مرحله‌ی وابستگی مطلق، دوران ابتدایی رشد است؛ زمانی که نوزاد قادر به انجام هیچ کدام از امور خود نبوده و وظیفه‌ی والد برطرف ساختن بدون درنگ نیازهای او است. این پاسخ در مرحله‌ی وابستگی نسبی یعنی زمانی که کودک خود می‌تواند برخی کارهایش را انجام دهد، اندکی کم‌رنگ‌تر می‌شود و در مرحله‌ی رفتن به سوی استقلال متناسب با سن کودک یا نوجوان این تفویض وظایف شتاب بیشتری می‌گیرد. به باور وینیکات مرحله‌ی سوم یا حرکت به سوی استقلال همواره در حال شدن بوده، هرگز به مستقل شدن مطلق نمی‌انجامد؛ چرا که انسان در هر سنی نیازمند دیگران است (کار، ۱۴۰۰: ۲۲۲). به عبارتی وابستگی به والد پیوسته کم‌رنگ می‌شود، اما به شکل کامل محو نخواهد شد. همانگونه که وینیکات اشاره می‌کند: «برای هر عضو خانواده، پدر و مادر در واقعیت روانی همیشه زنده هستند» (دتیویل، ۱۴۰۱: ۶۴). از دیدگاه او توانایی رفتن به سوی سومین مرحله‌ی وابستگی نشانه‌ای از پویایی و پوست‌اندازی روانی فرد است.

از دیگر سو یکی از بن‌مایه‌های بنیادی در افسانه‌های عامه رسیدن به بلوغ و مستقل شدن است. قهرمانان این افسانه‌ها ناگزیرند با پذیرش مسئولیت زندگی خود، قدم در مسیر استقلال گذاشته و این تکلیف رشدی را به نحو شایسته‌ای به انجام برسانند. آنها به‌ناچار از خانه‌ی پدری دور می‌افتند و دست سرنوشت ایشان را با سختی‌های بسیاری رودررو می‌کند. سختی‌هایی که قهرمان داستان با غلبه بر آن به سعادت و خوشبختی جاودان می‌رسد. هر کدام از این قصه‌ها به تعبیر اتو رنک «رویای توده مردم» است؛ چکیده‌ای از کشمکش‌های درونی و هزاران ساله‌ی انسان. کودکان می‌توانند با کمک این افسانه‌ها، جلوه‌ای نمادین به امیال ناهشیار و تکانه‌های پرخشاگرانه‌ی خود بدهند و به

سوی نوعی یکپارچگی روانی گام بردارند. به تعبیر هانا سیگال: افسانه‌ی پریان «آفریده‌ای هنری [است] که به تمامی اضطراب‌ها و امیال کودک را نمادین می‌کند» (سیگال، ۱۴۰۱: ۱۴). هرچه جهان نمادین کودک غنی‌تر باشد، ظرفیت مرآوده‌ی او با دیگران بیشتر است و افسانه‌های عامه ابزاری ظریف برای گسترش این ظرفیت‌اند. به باور برنو بتلهایم این قصه‌ها به کودکان در دستیابی به یک آگاهی کامل‌تر یاری رسانده، راهنمای آنها در رها کردن وابستگی‌های آغازین و گام نهادن به سوی یک هستی ارض‌کننده‌تر و مستقل‌ترند (بتلهایم، ۱۳۹۹: ۱۲ و ۲۷). داستان هپلی‌هپاو نیز یکی از قصه‌های گیرای ادبیات عامه‌گردی است که به درستی مراحل گذار کودک به سوی استقلال و کشاکش‌های درونی آن در نسبت با مادر را نمادین کرده است. در این مقاله ضمن خوانش داستان مذکور در جستجوی پاسخ به پرسش ذیل خواهیم بود: -از منظر این داستان چگونه می‌توان مسئولیت‌پذیر و مستقل بود؟

## ۲. پیشنهادی پژوهش

در سال‌های گذشته درباره‌ی ادبیات عامه‌ی گردی کارهای پژوهشی بسیاری انجام شده است. برای نمونه می‌توان به مقالات: «پژوهشی تطبیقی در چند باور عامیانه ایلام و انعکاس آنها در متون کهن ادبیات فارسی» نوشته‌ی ذبیحی و کسایی (۱۳۹۵)، «تحلیل و بررسی چیستان در زبان گردی (گوش سورانی)» نوشته‌ی پارسا (۱۴۰۱)، «بررسی، تحلیل و دسته‌بندی بن‌مایه‌های دعا و نفرین در فرهنگ و ادب عامه کله‌ری» نوشته‌ی احمدی‌خواه و شوهانی (۱۴۰۱) اشاره کرد.

در زمینه‌ی داستان‌های عامه‌ی گردی نیز می‌توان مقالات «ریخت‌شناسی قصه‌های پریان در زبان گردی» نوشته‌ی ابراهیمی و پارسا (۱۳۹۵)، «بررسی و تحلیل اسطوره‌ی شاماران در منطقه‌ی مکریان مهاباد» نوشته‌ی مسرور و رهبر (۱۳۹۸). «تحلیل روانکاوانه‌ی افسانه‌ی